

تأثیر سرمایه اجتماعی بر ارتقاء امنیت عمومی از دیدگاه فرماندهان و مدیران (مورد مطالعه: فرماندهی انتظامی استان گلستان)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۱/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۲/۱۵

علی باباییان،^۱ غلامرضا مرادی،^۲ علی‌اکبر خرمی،^۳ روح‌الله سالار^۴

از صفحه ۶۵ تا ۸۶

چکیده

زمینه و هدف: سرمایه اجتماعی یک دارایی نامشهود بوده و برخلاف سرمایه انسانی یا سرمایه فیزیکی، مفهومی بسیار فراتر از دارایی‌هایی است که یک فرد یا یک سازمان در اختیار داشته و یکی از راه‌های مهم افزایش سرمایه اجتماعی، تقویت ارتباطات و هنجارهای اجتماعی است. هدف از انجام این تحقیق، بررسی میزان تأثیر سرمایه اجتماعی و ابعاد آن بر ارتقاء امنیت از دیدگاه فرماندهان و مدیران استان گلستان است.

روش‌شناسی: این تحقیق از نظر نوع، کاربردی و به روش توصیفی انجام شده است. ابزار گردآوری تحقیق پرسشنامه است که اعتبار آن توسط خبرگان، تایید و سنجش پایایی پرسشنامه از طریق ضریب آلفای کرونباخ (=0/۹۱۱) انجام شده است. جامعه آماری تحقیق شامل کارکنان سطوح اول و دوم فرماندهی انتظامی گلستان می‌باشد که تعداد آنان ۲۰۰ نفر بوده و حجم نمونه محاسبه شده از طریق فرمول کوکران ۹۶ نفر تعیین شده است. نحوه نمونه‌گیری به صورت تصادفی در دسترس و در انتها پس از توصیف با استفاده روش تی تک نمونه‌ای، خی دو، فریدمن و رگرسیون، مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

یافته‌ها و نتایج تحقیق: یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد؛ اعتماد و مشارکت بر امنیت عمومی مؤثر می‌باشد و همچنین قانون‌مداری بر ارتقاء امنیت عمومی استان گلستان تأثیر دارد. براساس نتایج حاصل از آزمون تحقیق، تأثیر سرمایه اجتماعی و ابعاد آن شامل؛ اعتماد، مشارکت و قانون‌مداری بر ارتقاء امنیت مورد تأیید قرار گرفت. لیکن، هرچه بر میزان اعتماد، مشارکت و قانون‌مداری افزوده شود، امنیت عمومی نیز افزایش می‌یابد. در پایان رتبه‌بندی میزان تأثیرگذاری هر یک از عوامل تحقیق با استفاده از آزمون T، رتبه‌بندی فریدمن انجام شد که اعتماد در رتبه اول، مشارکت در رتبه دوم و قانون‌مداری در رتبه سوم قرار گرفتند.

واژه‌های کلیدی: سرمایه اجتماعی، امنیت عمومی، اعتماد، قانون‌مداری، مشارکت.

۱- استادیار دانشگاه علوم انتظامی امین (نویسنده مسئول) ababaeiana@gmail.com

۲- مربی دانشگاه علوم انتظامی امین

۳- دانش‌آموخته کارشناس ارشد رشته فرماندهی و مدیریت انتظامی

۴- مربی دانشگاه علوم انتظامی امین

مقدمه

امروزه در کنار سرمایه‌های انسانی و اقتصادی، سرمایه دیگری به نام سرمایه اجتماعی نیز مورد توجه قرار گرفته است. سرمایه اجتماعی، یا بُعد معنوی یک اجتماع، میراثی تاریخی است که از طریق تشویق افراد به «همکاری» و «مشارکت» در تعاملات اجتماعی، قادر است به حل میزان بیشتری از معضلات موجود در آن اجتماع فائق آید و حرکت به سوی رشد و توسعه شتابان اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... را امکان‌پذیر کند (غفاری، ۱۳۹۰: ۱۲).

در واقع، سرمایه اجتماعی را می‌توان در کنار سرمایه‌های اقتصادی و انسانی، بخشی از ثروت ملی به حساب آورد که بستر مناسبی برای بهره‌برداری از سرمایه انسانی و فیزیکی (مادی) و راهی برای نیل به موفقیت قلمداد می‌شود. بدون سرمایه اجتماعی، هیچ اجتماعی به هیچ سرمایه‌ای نمی‌رسد، به طوری که بسیاری از گروه‌ها، سازمان‌ها و جوامع انسانی، بدون سرمایه اقتصادی و صرفاً با تکیه بر سرمایه انسانی و اجتماعی، توانسته‌اند به موفقیت دست یابند، اما هیچ مجموعه انسانی، بدون سرمایه اجتماعی نمی‌تواند اقدامات مفید و هدفمندی انجام دهد (فوکویاما، ۱۳۸۵: ۴۴).

امنیت اجتماعی به عنوان پدیده‌ای اجتماعی که در یک جامعه از شرایط ساختاری و الگوهای کنشی برخوردار است، به عنوان پدیده‌ای در مسیر تحولات اجتماعی بر سر راه توسعه یعنی وضعیت موجود و وضعیت مطلوب مورد توجه مردم و گروه‌های اجتماعی قرار می‌گیرد و در صورت عدم تحقق آن، مانع تحقق اهداف و تهدیدکننده ارزش‌ها و کمال مطلوب نظم اجتماعی و توسعه جامعه خواهد شد. با توجه به اینکه توسعه و بهبود حیات اجتماعی انسان دارای دو بُعد ارزش-هنجاری و اثباتی - واقعی است. امنیت به عنوان یک پدیده اجتماعی از بُعد ارزشی و هنجاری برای رسیدن به اهداف و کمال مطلوب جامعه و همچنین از بُعد اثباتی و واقعی در راستای مقدرات و محدودیت‌های موجود در راه رسیدن به توسعه پایدار باید مورد مطالعه قرار گیرد.

با توجه به این مسئله و در راستای توسعه پایدار جامعه می‌توان اهداف توسعه را همگام با امنیت به دو دسته خاص و عام تقسیم کرد. «اهداف خاص مرتبط با ارزش‌های خاص هستند که بر حسب هریک از واحدهای اجتماعی نظیر گروه، قشر، طبقه، قوم، شهر، روستا، نظام اجتماعی و جامعه تغییر می‌یابند. ولی اهداف عام منبث از ارزش‌های عام و فراگیر

چون دانایی و خردگرایی، صداقت و راستگویی، آزادگی و مردم سالاری، عدالت و مساوات طلبی، بهره‌برداری بهینه از منابع در جهت پاسخگویی به نیازهای مردم و رشد و شکوفایی استعدادهای آنان و نظایر آن هستند که در بین همه واحدهای اجتماعی کمابیش مشترک هستند و شاخص‌های عام توسعه را تشکیل می‌دهند.» (عبداللهی، ۱۳۸۷: ۱۱).

بیان مساله

سرمایه اجتماعی به عنوان یک دارایی نامشهود، تأثیر غیر قابل انکاری بر پیاده‌سازی اصول مدیریت کیفیت جامع داشته و برخلاف سرمایه انسانی یا سرمایه فیزیکی، مفهومی بسیار فراتر از دارایی‌هایی است که یک فرد یا یک سازمان در اختیار می‌گیرد. بین سرمایه اجتماعی و میزان وقوع جرایم در جامعه، رابطه متقابلی وجود دارد. به طوری که کاهش سرمایه اجتماعی باعث افزایش جرم شده و درعین حال، افزایش جرم در یک محل باعث تضعیف پیوندها و فرسایش سرمایه اجتماعی می‌شود.

امنیت اجتماعی ناظر بر توانایی پاسداشت با دفع تهدید از عنصری است که افراد یک جامعه را به همدیگر مرتبط می‌کند. برای نمونه، اگر زنجیره اتصال اقلیتی، ملیت آنها است، امنیت اجتماعی آنان عبارت است از؛ رفع دغدغه‌ها و نگرانی‌هایی که به ویژگی خاص آن مربوط است (صدیق سروستانی، ۱۳۸۶: ۱۳۸). پلیس می‌خواهد امنیت پایدار ایجاد کند اما اگر امنیت فقط مبتنی بر قدرت و بدون توجه به فرهنگ، باورها، اعتقادات، مشارکت مردم و... باشد، صرفاً یک امنیت موقت را به دنبال خواهد داشت. اما برای ایجاد یک امنیت پایدار، توجه به مؤلفه‌های بالا ضروری است.

از سوی دیگر، سرمایه اجتماعی سنگ بنای جامعه امن و کارآمد است و در سایه حفظ و انباشت این منبع ارزشمند است که جامعه می‌تواند از دستاوردهای امنیت بهره‌مند شود. این مفهوم با ترسیم وضعیت امن اجتماعی در قالب شبکه‌های فشرده روابط جمعی، به مثابه نوعی دارایی محسوب شده است. برخی از فعالیت‌ها و خدمات پلیس که می‌تواند به تامین امنیت کمک کند، می‌توان به مواردی مانند، حضور فیزیکی و نظارت دقیق پلیس در محلات، اطلاع رسانی صحیح و به موقع امنیتی به شهروندان، ارائه راهنمایی و آگاهی از ارزش‌ها و قوانین و مقررات محلی به شهروندان و همچنین متوجه کردن آنها به احترام به این ارزش‌ها، ارائه آگاهی‌های لازم در زمینه خطراتی که در برخی از مکان‌ها یا در زمان‌های

خاص ممکن است برای شهروندان اتفاق افتد، رسیدگی سریع به جرایمی که توسط آشوبگران و اراذل صورت گرفته و پیشگیری از هر گونه فعالیت غیر قانونی و غیر اخلاقی در سطح شهر اشاره کرد. بنابراین، اعتماد اجتماعی به عملکرد نیروهای انتظامی و مسئولین محلی در برقراری امنیت سطح استان خود به عنوان یک سرمایه اجتماعی لحاظ شده و مردم با داشتن اعتماد به نیروهای امنیتی و مسئولین محلی خود و همکاری های لازم با آنها، سهیم شدن در مشارکت های داوطلبانه با مسئولین محلی در حفظ و بهبود اوضاع محل و آموزش های عمومی و اطلاع رسانی همگانی و آگاهی ها و راهنمایی های لازم نسبت به مسئولیت ها و تکالیف اجتماعی، انسانی و دینی از سوی نیروهای انتظامی، همگی می توانند به عنوان سرمایه اجتماعی در برقراری امنیت استان محسوب شوند.

در این تحقیق با توجه به بافت جمعیتی، تنوع قومیت ها و مسایل امنیتی حاکم در استان گلستان که ارتقاء امنیت با وجود شرایط حاکم بر آن به عنوان یک دغدغه برای استان محسوب می شود، به دنبال آن هستیم تا تأثیر سرمایه اجتماعی را در ارتقاء امنیت عمومی بر اساس الگوی توسکی (۱۳۸۴) از دیدگاه مدیران و فرماندهان انتظامی استان گلستان بررسی کنیم و بر اساس الگوی فوق الذکر (اعتماد عمومی، مشارکت، قانون مداری، صداقت، نوع دوستی) که از مؤلفه های سرمایه اجتماعی می باشد، ضمن بررسی چگونگی تأثیر سرمایه اجتماعی بر ارتقای امنیت عمومی و انطباق آن با روش های علمی، نسبت به احصاء مشکلات و موانع موجود اقدام کرده و با ارائه راهکارهای عملی مؤثر در جهت تحقق اهداف سازمانی که در نهایت اهداف کشور در چشم انداز برنامه پنج ساله می باشد، گامی برداشته شود.

مبانی نظری

سرمایه اجتماعی

امروزه یکی از مهم ترین مباحث مورد توجه اندیشمندان که می تواند مستقیم و غیر مستقیم بر هویت اجتماعی افراد جامعه تأثیرگذار باشد و همچنین از آن تأثیر بپذیرد، سرمایه اجتماعی است. سرمایه اجتماعی، مجموعه ای از منابع و ذخایر ارزشمندی است که به صورت ذاتی و نهفته در روابط اجتماعی گروه های نخستین، ثانوی و سازمان اجتماعی جامعه (نهادهای رسمی و غیر رسمی) وجود دارد. برخی از این ذخایر ارزشمند که گاه از آن

به ارزش‌های اجتماعی نیز یاد می‌کنند، عبارت است از؛ صداقت، حسن تفاهم، سلامت نفس، همدردی، دوستی، همبستگی، فداکاری و... سرمایه اجتماعی از طریق این منابع، کنش‌های کنش‌گران را در سطح خرد، میانی و کلان جامعه تسهیل، تسریع و کم هزینه و مطمئن می‌کند و آنان را در رسیدن به اهداف مشترک اجتماعی کمک می‌کند. در برخورد با مفهوم سرمایه اجتماعی با توجه به اینکه در رشته‌ها و حوزه‌های مختلف، مطالعاتی در این حوزه انجام شده است، با مفهوم واحد و مشخصی روبرو نیستیم (دورلاف،^۱ ۲۰۰۲: ۴۶۰).

یکی از مشکلاتی که دانشمندان علوم مدیریت و سرمایه اجتماعی با آن مواجه می‌باشند، ارائه تعریفی جامع از سرمایه اجتماعی است. تعریف رابرت پوتنام در علوم سیاسی، جیمز کلمن در علوم اجتماعی، فرانسیس فوکویاما^۲ در تاریخ اقتصادی - اجتماعی و تحقیقات بانک جهانی از جمله نخستین اقدامات در این زمینه بوده است. این واژه توسط اکثر نویسندگان به عنوان شبکه‌ها، هنجارها، اعتماد و راهی که جوامع می‌توانند از طریق آن اهداف جمعی را به صورتی کارآتر انجام دهند، تعریف شده است.

سرمایه اجتماعی از دیدگاه کلمن

کلمن^۳ از واژه‌های متفاوتی برای تعریف سرمایه اجتماعی استفاده کرده است. وی مفهوم اجتماعی را از ابعاد گوناگون بررسی کرده است. کلمن برای تعریف سرمایه اجتماعی به نقش و کارکرد آن توجه کرده و تعریفی کارکردی - ماهوی از سرمایه اجتماعی ارائه داده است (الوانی و سید نقوی، ۱۳۸۶: ۵-۴). کلمن متعقد است که سرمایه اجتماعی با کارکردش تعریف می‌شود، سرمایه اجتماعی شیئی واحد نیست بلکه انواع چیزهای گوناگونی است که دو ویژگی مشترک دارند؛ همه آنها جنبه‌ای از یک ساخت اجتماعی را شامل می‌شوند و کنش‌های معین افرادی را که درون ساخت هستند، تسهیل می‌کنند.

سرمایه اجتماعی از دیدگاه پوتنام

پوتنام سرمایه اجتماعی را مجموعه مفاهیمی نظیر اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها می‌داند که موجب ایجاد ارتباطات و مشارکت بهینه اعضای یک اجتماع شده و در نهایت منافع متقابل آنان را تأمین خواهد کرد. از نظر وی، اعتماد و ارتباط متقابل اعضاء در

1- dorlaf
2- fokoyama
3- kelman

شبکه، منابعی را شکل می‌دهند که کنش‌های اعضای جامعه را تسهیل می‌کند. پوتنام سرمایه اجتماعی را وسیله‌ای برای رسیدن به توسعه سیاسی و اجتماعی در سیستم‌های سیاسی گوناگون می‌داند، تاکید عمده وی بر مفهوم اعتماد بوده است. به نظر وی با جلب اعتماد میان مردم و مردان و نخبگان سیاسی، توسعه ایجاد می‌شود، بنابراین اعتماد، منبع با ارزشی از سرمایه محسوب می‌شود که اگر در حکومتی به میزان زیاد وجود داشته باشد، به همان اندازه رشد سیاسی و توسعه اجتماعی از آن استفاده کرده است (الوانی و سید نقوی، ۱۳۸۶: ۶).

سرمایه اجتماعی و امنیت

پیش زمینه ذهنی ارتباط بین سرمایه اجتماعی و امنیت شاید در اولین برخورد با شاخص‌های متداول برای بخش سرمایه اجتماعی در ذهن هر پژوهشگری شکل بگیرد، آنجایی که در بسیاری از شاخص‌ها مقوله امنیت به طور مستقیم یا غیرمستقیم جای داده شده است، ما در اینجا به چند نمونه از این شاخص‌ها اشاره می‌کنیم.

شاخص احساس امنیت: میزان احساس امنیت و آسودگی و آرامش مردم در خانه‌های خود یا از قدم زدن در کوچه‌ها و خیابان‌های شهر در طول شبانه روز (بولن^۱ و ائینکس^۲، ۱۹۹۸: ۸۷)، ملاحظه می‌شود که این شاخص بطور مستقیم با مقوله امنیت ارتباط داشته و پژوهشگران، بالا بودن سطح آن را دلیلی بر وجود سرمایه اجتماعی مطلوب و بالا در جامعه مورد نظر می‌دانند.

شاخص وساطت اجتماعی: به منظور حضور فعال فرد به عنوان میانجی‌گر در حل اختلافات و منازعات موجود میان آشنایان، همسایه‌ها، همکاران و همشهری‌ها در صورتی که اهداف پلیس جامعه محور را به عنوان رویکردی نوین در عصر حاضر مدنظر قرار دهیم، کاملاً واضح است که این شاخص تا حدود زیادی مشارکت افراد جامعه در حل و فصل منازعات که از ارکان اصلی این رویکرد می‌باشد را به منظور کاهش میزان جرم و تحصیل در رفع دعاوی دنبال می‌کند. رویکرد پلیس جامعه محور به این معنی است که از شهروندان خواسته می‌شود تا بخش عمده مسائل جزئی خود را خودشان

1 - Bolen
2 - Atinkes

انجام دهند، این ترغیب باعث می‌شود که پلیس وقت آزاد بیشتری داشته باشد و بتواند برای مشکلات جامعه راه حل‌های فوری و دراز مدت پیدا کند.

شاخص پذیرش تفاوت‌ها (مدارا): به صراحت وجود چنین فرهنگی در جامعه که از طرفی نشان دهنده وجود سرمایه اجتماعی در آن منطقه می‌باشد از عوامل اصلی کاهش جرم و جنایت است.

همکاری: از قبیل همکاری همسایه‌ها با یکدیگر برای بهبود اوضاع محل، همکاری با مسئولان محلی و مشارکت داوطلبانه افراد در اجتماع.

همیاری: هنجار همیاری، احساس درونی افراد برای کمک به دیگران و به اجتماعی که در آن زندگی می‌کنند، اشاره دارد و باعث ایجاد تعادل بین فردی و جمعی می‌شود. همانطور که مشاهده شد، شاخص‌های مختلفی برای اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی از سوی صاحب نظران ارائه شده است. این امر خود نشان دهنده تشتت آراء و عدم وجود اتفاق نظر در این زمینه می‌باشد، با این حال می‌توان گفت اکثر دانشمندان بر روی «اعتماد» و «مشارکت» به عنوان شاخص‌های اصلی مفهوم سرمایه اجتماعی اجماع دارند (احمدی، ۱۳۸۷: ۳۰).

اعتماد

میزان اعتماد فرد به آشنایان (از اعضای خانواده تا همسایگان) اعتماد به غریبه‌ها و سازمان‌های مختلف و نمایندگان حکومت از جمله پلیس.

قابلیت اعتماد: میزان ریسک‌پذیری و قابلیت اعتماد داشتن محیط زندگی از نظر فرد (فقدان یا وجود دزدی یا کلاهبرداری)، اعتماد میان پلیس و مردم و اعتماد موجود در بین اقشار مختلف مردم از سرمایه‌های اساسی پلیس برای جلوگیری از گسترش جرم و جنایت به شمار می‌آید. «تری گویر» اعتماد اجتماعی را پایه و اساس زندگی توأم با اخلاق، مسئولیت و نیکویی می‌داند و معتقد است که پیوندهای اجتماعی در سایه اعتماد شکل گرفته و ساخته می‌شود (احمدی، ۱۳۸۷: ۲۷). از این تعریف کاملاً نقش محوری اعتماد در ایجاد سرمایه اجتماعی و در نهایت امنیت مشخص می‌شود، زیرا همانطور که گفته شد وجود اعتماد پایه و اساس وجود پیوندها و مسئولیت اجتماعی است که در صورت نبودن این عوامل به صراحت می‌توان به نبود سرمایه اجتماعی حکم داد.

گویر، اصل بنیادی در ارتباطات انسانی چه به صورت رسمی و چه غیررسمی را اعتماد می‌داند و آن را قانون ارتباطات انسانی نام می‌نهد، بالعکس نظام‌های پلیسی رسمی را بیرونی و فشار آور در برقراری اعتماد و اخلاق میان مردم می‌داند و نه تنها آن را توصیه نمی‌کند، بلکه مخرب هم می‌داند (احمدی، ۱۳۸۷: ۲۸). البته لازم است اشاره شود تلاش‌های صورت گرفته در جهت ایجاد پلیس جامعه محور که بر پایه ارتباطات و همکاری پلیس و مردم شکل گرفته و نقش بسیار پررنگ‌تر در جهت حفظ امنیت برای مردم در نظر گرفته است به منظور افزایش اعتماد مردم نسبت به پلیس بسیار کارساز بوده است.

مشارکت

مشارکت میل افراد به درگیر شدن فعال در ابعاد زندگی اجتماعی را توصیف می‌کند. در کار تجربی وان داین^۱، گراهام^۲ و داین سچ^۳ (۱۹۹۴) نشان داده شده که مشارکت به طور واقعی سه شکل دارد؛ الف) مشارکت اجتماعی: درگیر بودن فعال افراد را در امور اجتماعی و مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی را توصیف می‌کند، ب) مشارکت جانبدارانه (حمایت): میل افراد به بحث و چالش برانگیز بودن برای بهبود منطقه خود به وسیله پیشنهاد دادن، ابداع و تشویق دیگر افراد به بیان آزادانه عقایدشان را توصیف می‌کند. ج) مشارکت عملی (وظیفه‌ای): مشارکت افراد در اموری را توصیف می‌کند که بیشتر از استانداردهای عملکرد یک شهروند است (مانند قبول کردن تکالیف اضافی) (عسگری، ۱۳۸۲: ۶۶).

پاتنام^۴ (۱۹۹۳) اعتقاد دارد که اجتماعاتی با سطوح بالای سرمایه اجتماعی به طور نوعی با سطوح بالای مشارکت شهری میان شهروندان مشخص می‌شوند. یعنی افراد در چنین مکان‌هایی در امور اجتماعی درگیرند و حس وظیفه شناسی نسبت به یکدیگر دارند، به علاوه همکاری، اشتغال و فداکاری توسط این افراد به نمایش در می‌آیند که در بسط اعتماد، نفوذ و درک مشترک در میان آنها مؤثر هستند.

1 - Vandain
2- Geraham
3- Dain sech
4- Patenam

پیشینه تحقیق

در خصوص موضوع این تحقیق، مطالعاتی در داخل و خارج از کشور انجام شده که به بعضی از آنها در ادامه اشاره می‌شود.

عطایی (۱۳۸۹) در تحقیقی تحت عنوان «عوامل مؤثر امنیت عمومی در استان گلستان» ضمن بررسی چالش‌های امنیتی گلستان به این نتیجه رسیده که نگرش متغیرهای عمومی، محل سکونت، محل تولد باعث ایجاد تفاوت در چگونگی نگرش به امنیت عمومی می‌گردد.

صفدری (۱۳۸۷) در تحقیقی تحت عنوان «بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی ایران» به این نتیجه رسیده که سرمایه اجتماعی در ایران رو به کاهش است. ایشان برای تقویت سرمایه اجتماعی در سطح خرد، پیشنهاد می‌کند که والدین برای تقویت در ارتباط و اعتماد متقابل بین اعضاء خانواده، علاوه بر افزایش میزان حضور خود در خانه، ارتباط صمیمی و دوستانه با فرزند خود برقرار کنند.

عبدالهی و موسوی (۱۳۸۶) در تحقیقی با عنوان «سرمایه اجتماعی در ایران» به این نتیجه رسیده‌اند که با توجه به پایین بودن میزان سرمایه اجتماعی، غلبه گونه قدیم بر جدید و نقش منفی آن از لحاظ جلوگیری از تحقق انسجام جمعی در سطح ملی، تقویت اجتماعی جدید به ویژه در بُعد روابط انجمن و پیامدهای مثبت آن از طریق اصلاح و بهبود محیط اجتماعی کنشگران فردی و جمعی، تقویت نهادهای مدنی و اصلاح بینش‌ها و کنش‌های افراد را ضروری دانسته‌اند.

نصرتی (۱۳۸۵) مبادرت به شناسایی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری و بسط سرمایه اجتماعی نموده است. او آن عوامل را چنین فهرست کرده است؛ التزام به عقاید دینی، شکل‌گیری اعتماد همگانی، افزایش سطح آگاهی، بسط اخلاقی فردی و اجتماعی، افزایش سطح مشارکت سیاسی و اجتماعی. با افزایش هریک از این پنج عامل، تمایل به پیوندهای اجتماعی و بسط شبکه عمومی، افزایش می‌یابد (مجردی، ۱۳۹۱: ۱۹).

آلسیا ولفرثرا^۱ (۲۰۰۰) در تحقیقی با عنوان «تفاوت در میزان اعتماد در بین ساکنان ایالات متحده آمریکا» پرداخته به این نتیجه رسید که نابرابری‌های اجتماعی و عدم سنخیت نژادی و قومی در سطح محلی از عوامل اصلی تعیین کننده اعتماد هستند، این یافته با استدلال نک و زک^۲ (۱۹۹۸) همخوانی دارد. این دو محقق، قائل به پیوند و ارتباط بین اعتماد و فاصله اجتماعی هستند که خود فاصله اجتماعی از طریق نابرابری درآمدی سنجیده می‌شود (شارع پور، ۱۳۸۵: ۵۴).

رایس و لسینگ^۳ رابطه بین سرمایه اجتماعی، دموکراسی و پیشرفت اقتصادی را در بازه کشورهای اروپایی و آمریکایی مورد بررسی قرار داده‌اند و معتقدند سرمایه اجتماعی اثرات انکارناپذیری بر دموکراسی و پیشرفت اقتصادی دارد.

پاتنام^۴ (۱۹۷۰) در مطالعه‌ای تحت عنوان «نقش سرمایه اجتماعی در عملکرد شوراهای منطقه ای ایتالیا» در می‌یابد که از نظر کارآمدی اداری و پاسخ‌گویی به نیازهای شهروندان، تفاوت‌های بسیاری میان دو بخش شمال و جنوب ایتالیا وجود دارد. نتایج بررسی پاتنام نشان می‌دهد که در ایتالیا می‌توان مناطق مدنی را از یکدیگر تشخیص داد.

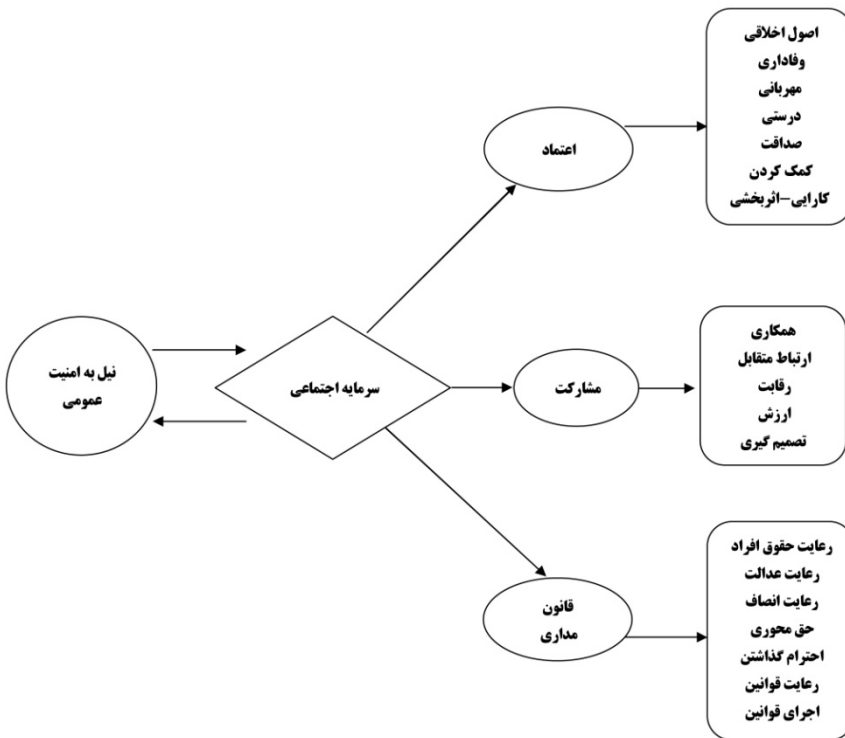
آسلایند^۵ (۱۹۹۹) طی تحقیقی در امریکای شمالی به این نتیجه رسید که اعتماد مردم به پلیس باعث ایجاد امنیت می‌شود. پاتنام هم در سال ۲۰۰۱، در پژوهشی با عنوان «سرمایه اجتماعی جامعه محور»، به بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و دیگرخواهی در امریکا پرداخت و نتیجه گرفت که روند انجام اعمال نوع دوستان از یک الگوی با معنا در ارتباط با میزان سرمایه اجتماعی پیروی می‌کند و تصادفی نیست (مصطفوی، ۱۳۸۷: ۲۰).

مدل مفهومی

الگوی این پژوهش از پنج مفهوم اصلی تشکیل شده است. سرمایه اجتماعی به‌عنوان متغیر مستقل و امنیت عمومی به‌عنوان متغیر وابسته با در نظر گرفتن سه بُعد اعتماد، مشارکت و قانون‌مداری که نقش متغیر میانجی را ایفا می‌نمایند. افزایش میزان سرمایه

1- Aseiavalfera
2- Nak&zak
3- Rais&liseing
4-patnam
5- Aslaynd

اجتماعی به خصوص در شکل بین گروهی آن، با افزایش کیفیت زندگی، توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، نظام کارآمد، کنترل اجتماعی غیررسمی، رعایت هنجارها، استحکام خانواده، نظم اجتماعی و دیگر پیامدهای مثبت همراه است. کاهش سرمایه اجتماعی نیز با بی‌نظمی و بحران‌های اجتماعی، بی‌تفاوتی مدنی، فساد سیاسی، بروز جرم و خشونت، اختلال هنجاری و اختلال در روابط اجتماعی و دیگر نتایج منفی، همراه است. هرچه میزان اعتماد، مشارکت و قانون‌مداری در جامعه افزایش یابد، امنیت در جامعه ارتقاء یافته و شهروندان از احساس امنیت بیشتری برخوردار خواهند شد.



نمودار شماره یک: الگوی تحلیلی تحقیق

جدول شماره یک: الگوی تحلیلی تحقیق

ماخذ	شاخص	مولفه ها	ابعاد	***
توسکی، ۱۳۸۴؛ پودراگ، ۲۰۰۸: ۵؛ فوکویاما، ۱۹۹۵: ۲۶؛ الوانی دانایی فرد، ۱۳۸۰	۱- اصول اخلاقی ۲- وفاداری ۳- مهربانی وهمدلی ۴- درستی ۵- صداقت ۶- خطر کردن ۷- رفتار شرفتمندانه	اعتماد	اعتماد	تأثیر سرمایه اجتماعی بر ارتقاء امنیت عمومی از دیدگاه مدیران و فرماندهان انتظامی گلستان
	۸- کارایی ۹- اثربخشی		مشارکت	
الوانی، ۱۳۸۰؛ روشنفکر، ۱۳۸۵؛ ایرلند، ۲۰۰۲	۱۰- همکاری ۱۱- ارتباط متقابل ۱۲- رقابت ۱۳- ارزش ۱۴- تصمیم گیری	مشارکت	قانون مداری	
	۱۵- رعایت حقوق افراد ۱۶- رعایت عدالت ۱۷- رعایت انصاف ۱۸- حق محوری ۱۹- احترام گذاشتن ۲۰- رعایت قوانین		امنیت عمومی	
مصباح، ۱۳۷۵: ۳۲؛ دلشاد تهرانی، ۱۳۷۳: ۷		قانون مداری	سرمایه اجتماعی	

روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر از نوع تحقیقات کاربردی و از نظر روش، توصیفی تحلیلی می‌باشد. جامعه آماری تحقیق شامل کلیه مدیران سطوح یک و دو فرماندهی انتظامی استان گلستان به تعداد ۲۰۰ نفر می‌باشند که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده تعداد ۹۶ نفر با استفاده از فرمول کوکران انتخاب شده‌اند. برای محاسبه فراوانی، درصد فراوانی، فراوانی تجمعی و ترسیم نمودار از آمار توصیفی و برای تعیین تأثیرات از روش‌های آمار استنباطی شامل؛ آزمون‌های تی تک نمونه‌ای، خی دو، فریدمن و رگرسیون با بهره‌گیری از نرم‌افزار اس.پی.اس.اس استفاده شده است.

ابزار جمع‌آوری داده‌ها در این تحقیق، پرسشنامه است که پس از مذاکره و استماع نظر صاحب نظران، نسبت به تهیه پرسش‌نامه اولیه بر مبنای فرضیات، رابطه مولفه‌ها، شاخص‌ها و متغیرهای تحقیق و تعیین مقیاس مناسب (طیف لیکرت) اقدام و برای حصول روایی، ابتدا

نمونه‌ای از پرسشنامه اولیه بین ۳۰ نفر از نمونه آماری توزیع شده و پس از بررسی نتایج و رفع ایرادات، پرسش نامه نهایی جهت اجراء مورد استفاده قرار گرفته است. پایایی پرسشنامه نیز با محاسبه آلفای کرونباخ، مورد سنجش قرار گرفته است. بدین منظور ابتدا پایایی را برای نمونه‌ای ۳۰ تایی از پرسشنامه‌ها به عنوان پیش آزمون، محاسبه کرده و مقدار آلفای کرونباخ به میزان ۰/۰۱ به دست آمد. مقدار ضریب آلفای کرونباخ کل ۰/۹۱۱ به دست آمد که نشان دهنده وجود پایایی بسیار بالایی برای پرسشنامه می‌باشد.

یافته‌های تحقیق

الف: یافته‌های توصیفی

در این قسمت به ویژگی‌های جمعیت شناختی آزمودنی‌های تحقیق پرداخته شده است.

جدول شماره ۲: فراوانی و درصد پاسخگویان به سن

سن پاسخ دهندگان	فراوانی	درصد فراوانی
کمتر از ۲۰ سال	۰	۰
بیست تا سی سال	۱۰	۱۰/۴٪
سی تا چهل سال	۴۰	۴۱/۶٪
چهل تا پنجاه سال	۴۵	۴۶/۸٪
بالای پنجاه سال	۱	۰۲/۲٪

همانطور که در جدول نشان داده شده است، بیشتر فراوانی پاسخ دهندگان مربوط به گروه سنی ۴۰ تا ۵۰ سال است که حدود ۴۶/۸ درصد از حجم نمونه آماری را تشکیل می‌دهند.

جدول شماره ۳: فراوانی و درصد پاسخگویان به تفکیک تحصیلات

تحصیلات پاسخ دهندگان	فراوانی	درصد فراوانی
کاردانی	۲۱	۲۶٪
کارشناسی	۵۲	۶۱٪
ارشد و دکتری	۱۰	۱۳٪

همانطور که در جدول نشان داده شده است، پاسخ دهندگان، کاردانی ۲۶ درصد، کارشناسی ۶۱ درصد، کارشناسی ارشد و دکتری ۱۳ درصد از حجم نمونه آماری را تشکیل می‌دهند.

جدول شماره ۴: فراوانی و درصد پاسخگویان به تفکیک درجه/ رتبه معادل

طیف در جات	فراوانی	درصد فراوانی
درجه دار	۱	٪۱
افسر جزء	۴۵	٪۴۷
افسر ارشد	۵۰	٪۵۲

همان طور که در جدول نشان داده شده است، پاسخ دهندگان درجه دار ۱ درصد، افسر جزء ۴۷ درصد و افسر ارشد ۵۲ درصد از حجم آماری را تشکیل می دهند.

ب: یافته های استنباطی

با توجه به بررسی های به عمل آمده، بین نقش سرمایه اجتماعی، مشارکت، اعتماد و قانون مداری با امنیت عمومی به ترتیب اعتماد، مشارکت و قانون مداری از اهمیت و تأثیر بیشتری بر روی امنیت برخوردار می باشند.

جدول شماره ۵: میزان تأثیرگذاری عوامل اصلی تحقیق با استفاده از آزمون کرونباخ

رتبه بندی فریدمن	میانگین رتبه ای	عوامل مؤثر بر ارتقاء امنیت استان گلستان
اول	۱.۵۳	اعتماد
دوم	۲.۱۰	مشارکت
سوم	۲.۳۸	قانون مداری
سطح معنی داری	درجه آزادی	آماره خی دو
۰/۰۰	۲	۴۱.۰۲۷

فرضیه اول پژوهش

اعتماد بر ارتقاء امنیت عمومی در استان گلستان تأثیر دارد.

جدول شماره ۶: شاخص های توصیفی نقش اعتماد در ارتقاء امنیت

سطح معناداری	آماره t	ضریب غیر استاندارد	ضریب غیر استاندارد		ارتقاء امنیت عمومی	
		Beta	خطای استاندارد	B		
۰.۰۰۰	۰.۴۷۳۳	۰.۱۱۷	۰.۴۷	۰.۶۹	اعتماد	۱

با توجه به سطح معناداری ۰/۰۰، در می‌یابیم که ارتباط معناداری بین اعتماد با ارتقاء امنیت عمومی وجود دارد با توجه به ضریب رگرسیونی استاندارد شده برای متغیر اعتماد (۰/۱۱۷) در سطح خطای کمتر از ۱٪ معنادار می‌باشد. بنابراین می‌توانیم بگوییم که اعتماد بر امنیت عمومی تأثیر دارد و این بدین معنا است که با یک واحد افزایش انحراف استاندارد در متغیر اعتماد، میزان ارتقاء امنیت عمومی به میزان ۰/۱۱۷ انحراف استاندارد افزایش می‌یابد.

فرضیه دوم پژوهش

مشارکت در ارتقاء امنیت عمومی استان گلستان تأثیر دارد.

جدول شماره ۷: شاخص‌های توصیفی تأثیر مشارکت در ارتقاء امنیت

سطح معناداری	آماره t	ضریب غیر استاندارد	ضریب غیر استاندارد		ارتقاء امنیت عمومی	
		Beta	خطای استاندارد	B	مشارکت	۱
۰۰۰	۵.۵۳۷	۰.۳۶۱	۰.۰۶۰	۰.۳۳۰	مشارکت	۱

با توجه به سطح معناداری ۰/۰۰، در می‌یابیم که ارتباط معناداری بین مشارکت با ارتقاء امنیت عمومی وجود دارد. با توجه به ضریب رگرسیونی استاندارد شده برای متغیر مشارکت (۰/۳۶۱) در سطح خطای کمتر از ۱٪ معنادار می‌باشد، بنابراین می‌توانیم بگوییم مشارکت بر امنیت عمومی تأثیر دارد.

فرضیه سوم پژوهش

قانون‌مداری بر ارتقاء امنیت عمومی استان گلستان تأثیر دارد.

جدول شماره ۸: شاخص‌های توصیفی تأثیر قانون‌مداری در ارتقاء امنیت

سطح معناداری	آماره t	ضریب غیر استاندارد	ضریب غیر استاندارد		ارتقاء امنیت عمومی	
		Beta	خطای استاندارد	B	قانون‌گرایی	۱
۰۰۰	۶.۰۲۲	۰.۵۰۷	۰.۰۵۲	۰.۳۱۳	قانون‌گرایی	۱

با توجه به سطح معناداری ۰/۰۰، در می‌یابیم که ارتباط معناداری بین قانون‌مداری با ارتقاء امنیت عمومی وجود دارد. با توجه به ضریب رگرسیونی استاندارد شده برای

متغیر قانون‌مداری (۰/۵۰۷) در سطح خطای کمتر از ۱٪ معنادار می‌باشد، بنابراین می‌توانیم بگوییم قانون‌مداری بر امنیت عمومی مؤثر می‌باشد و این بدین معنا است که با یک واحد افزایش انحراف استاندارد در متغیر قانون‌مداری، میزان ارتقاء امنیت عمومی به میزان ۰/۵۰۷ انحراف استاندارد افزایش می‌یابد.

رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر ارتقاء امنیت عمومی استان گلستان

برای اولویت‌بندی مولفه‌های مؤثر بر ارتقاء امنیت استان گلستان از آزمون کرونباخ استفاده شده است. در این آزمون پس از محاسبات لازم به هر یک از شاخص‌های تأثیرگذار بر ارتقاء امنیت یک نمره اختصاص داده می‌شود. هرچه این نمره از آزمون بالاتر باشد، می‌توان گفت که متغیر مورد بررسی تأثیر بیشتری بر ارتقای امنیت استان گلستان داشته است.

جدول شماره ۹: میزان تأثیرگذاری عوامل اصلی تحقیق با استفاده از آزمون فریدمن

رتبه‌بندی فریدمن		میانگین رتبه‌ای	عوامل مؤثر بر ارتقاء امنیت استان گلستان
اول		۳،۸۲	اعتماد
دوم		۳،۵۷	مشارکت
سوم		۲،۷۹	قانون‌مداری
سطح معنی داری		درجه آزادی	آماره خی دو
۰/۰۰		۲	۴۱۰۲۷

برای اولویت‌بندی مولفه‌های مؤثر بر ارتقاء امنیت استان گلستان از آزمون رتبه‌بندی فریدمن استفاده شده است. هر یک از شاخص‌های تأثیرگذار بر ارتقاء امنیت به ترتیب عبارتند از: اعتماد، مشارکت و قانون‌مداری، می‌توان گفت که متغیر اعتماد تأثیر بیشتری بر ارتقای امنیت استان گلستان داشته است.

بحث و نتیجه‌گیری

براساس نتایج تحقیق، اعتماد بر امنیت عمومی مؤثر است، یعنی با افزایش میزان اعتماد، امنیت عمومی نیز ارتقاء می‌یابد. با توجه به یافته‌ها درمی‌یابیم که رفتار شرافتمندانه، ریسک کردن، کارایی کارکنان در امورات محوله و میزان اثربخشی فعالیت‌های پلیس از

یک سو بر میزان اعتماد مردم مؤثر است و از سوی دیگر افزایش اعتماد مردم بر افزایش احساس امنیت عمومی تأثیر معنی‌دار می‌گذارد. این یافته همسو با یافته‌های جعفری (۱۳۹۱) است که در پژوهشی با عنوان طراحی الگوی تعالی سازمانی با رویکرد سرمایه اجتماعی در سازمان پلیس به این نتیجه رسیده که یکی از راه‌های محکم افزایش سرمایه اجتماعی، تقویت ارتباطات و هنجارهای اجتماعی است که این هنجارها موجب تقویت همیاری و کاهش کنترل رسمی شهروندان شده و به این صورت امنیت اجتماعی تقویت می‌گردد. همچنین همسو با یافته‌های آلسیا و لفرثرا (۲۰۰۰) که در پژوهشی با عنوان تفاوت در میزان اعتماد در بین ساکنان ایالات متحده آمریکا به این نتیجه رسیدند که نابرابری‌های اجتماعی و عدم سنخیت نژادی و قومی در سطح محلی از عوامل اصلی تعیین کننده اعتماد هستند، می‌باشد.

از سوی دیگر این یافته با این تعریف نظری همخوانی دارد که امنیت عمدتاً به نوعی احساس روانی اطلاق می‌گردد که در آن به خاطر مبرا بودن از ترس، وضعیت آرامش و اطمینان خاطر حاصل می‌گردد. اعتماد ابزاری است برای صرفه جویی در قدرت است، زیرا حضور اعتماد، نگرانی، شک و نیاز به مراقبت و کنترل را کاهش می‌دهد. نتیجه این اعتماد و امنیت، نوعی تمایل برای خطرپذیری و ریسک در متن جامعه است. اعتماد به عنوان مهم‌ترین شاخص سرمایه اجتماعی، سازوکاری برای ایجاد انسجام و وحدت در نظام‌های اجتماعی، تسهیل‌گر مشارکت و تعاون اجتماعی و پرورشی ارزش‌های مردم‌سالارانه و دربرگیرنده انتظارات مناسب در مورد کنش‌های دیگران است. همچنین یافته‌های این بخش مطابق با الگوی توسکی (۱۳۸۴) است که اعتماد را شامل اصول؛ اخلاقی، وفاداری، درستی، صداقت، ریسک کردن، رفتار شرفتمندانه، کارایی و اثربخشی بر می‌شمارد.

به منظور بررسی این فرضیه‌ی پژوهش که مشارکت در ارتقاء امنیت عمومی استان گلستان تأثیر دارد، از رگرسیون چندگانه استفاده شد که نتایج حاکی از این است که ضریب رگرسیونی استاندارد شده برای مفهوم مشارکت در سطح خطای کمتر از ۰/۱٪ معنادار می‌باشد ($\beta = ۰/۳۶۱, P < ۰/۰۱$). بنابراین می‌توانیم بگوییم که مشارکت، پیش‌بینی کننده‌ی امنیت عمومی است؛ یعنی هر چه بر میزان مشارکت افزوده شود، میزان امنیت عمومی نیز افزایش می‌یابد. با توجه به یافته‌ها در می‌یابیم که ارتباط

متقابل بین مردم و مسئولین و رقابت در فعالیتهای اجتماعی از یک سو بر میزان مشارکت مردم مؤثر است و از سوی دیگر افزایش مشارکت مردم بر افزایش احساس امنیت عمومی تأثیر معنی‌دار می‌گذارد. این یافته همسو با یافته‌های صفدری (۱۳۸۷) است که در تحقیقی تحت عنوان بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی ایران پیشنهاد می‌کند که والدین برای تقویت در ارتباط و اعتماد متقابل بین اعضاء خانواده باید علاوه بر افزایش میزان حضور خود در خانه ارتباط صمیمی و دوستانه با فرزند خود برقرار نمایند. همچنین همسو با یافته‌های ربانی خورسگانی و ارشدی (۱۳۸۵) است که یکی از تغییرات مهم بر تخریب سرمایه اجتماعی در ایران بعد از جنگ را جریان تغییر ارزش‌ها اعلام کرده‌اند.

در این جریان ثروت اندوزی به یک ارزش تبدیل گردید و برخی از عوامل فرهنگی مانند نیاز به احترام، آموزش احساسی و فشار هنجاری، احساس فقر و بی‌عدالتی، تغییر ارزش‌ها را تشدید کرده است. از سوی دیگر این یافته با این تعریف نظری همخوانی دارد که مشارکت بیشتر، امکان ایجاد اعتماد بیشتری را فراهم می‌آورد و شرکت کنندگان در آن، تجربیاتی را بدست می‌آورند و فرصت پیدا می‌کنند شاهد و ناظر خیر خواهی، قابلیت اعتماد، شایستگی، درستکاری و وسعت نظر شرکا و همکاران خود باشند (سلیمی، ۱۳۸۰). همچنین مشارکت اجتماعی دربرگیرنده دو بعد است؛ بُعد ذهنی که همان تمایل به مشارکت اجتماعی است که در نتیجه اعتماد ایجاد می‌شود و بُعد عینی و رفتاری که به صورت عضویت، نظارت، اجرا و تصمیم‌گیری بروز می‌کند که همان پیوند عینی افراد است (موسوی، ۱۳۸۵).

پوتنام نیز نشان داد که در مناطقی که ارتباطات اجتماعی به‌صورت افقی گسترده بوده و بر پایه اعتماد و ارزش‌های مشترک است، میزان مشارکت در سازمان‌های اجتماعی بیشتر و به همان اندازه سرمایه اجتماعی نیز بالاتر است. همچنین یافته‌های این بخش مطابق با الگوی توسکی (۱۳۸۴) است که مشارکت را شامل همکاری، ارتباط متقابل، رقابت، ارزش و تصمیم‌گیری بر می‌شمارد.

به منظور بررسی این فرضیه‌ی پژوهش که قانون‌مداری از ارتقاء امنیت عمومی استان گلستان تأثیر دارد از رگرسیون چندگانه استفاده شد که نتایج حاکی از این است که؛

ضریب رگرسیونی استاندارد شده برای مفهوم قانون‌مداری در سطح خطای کمتر از ۰/۱٪ معنادار می‌باشد ($\beta = ۰/۵۰۷, P < ۰/۰۱$). بنابراین می‌توانیم بگوییم قانون‌مداری پیش‌بینی‌کننده‌ی امنیت عمومی است و بر آن مؤثر است؛ یعنی هر چه قانون‌مداری افزایش یابد بر میزان امنیت عمومی نیز افزوده می‌شود. با توجه به یافته‌ها در می‌یابیم که رعایت عدالت توسط مسئولین در جامعه و رعایت انصاف در جامعه به نوبه خود بر اعتماد مردم به قانون و تحکیم قوانین و در نتیجه امنیت عمومی مؤثر است. این یافته همسو با این تعریف نظری است که هدف از قانون‌مداری حفظ و اجرای قوانین به طور عادلانه در جامعه و رعایت حقوق همه افراد می‌باشد. از آن جا که زندگی انسان یک زندگی اجتماعی است و لازمه زندگی اجتماعی تراحمات و برخوردی بین منافع افراد جامعه است؛ پس به ناچار کشمکش‌هایی در صحنه اجتماع رخ می‌دهند.

برای از بین بردن این تراحمات و یا کم کردن آنها به مرزها و قانونهایی نیازمندیم تا حدود بهره‌برداری انسان‌ها را مشخص نمایند؛ زیرا اگر حدود و مرزهایی برای بهره‌برداری افراد وجود نداشته باشند و یا انسانها آنها را رعایت نکنند، هدف از زندگی اجتماعی، که برخورداری هر چه بیشتر از مواهب طبیعی در جهت تکامل مادی و معنوی انسان است تحقق نخواهد یافت. به این ترتیب وجود قانون برای جامعه ضرورت دارد تا افراد جامعه با رعایت آن، از زندگی بهره‌های مادی و معنوی ببرند (حراس، ۱۳۹۴). همچنین یافته‌های این بخش مطابق با الگوی توسکی (۱۳۸۴) است که قانون‌مداری را شامل رعایت حقوق افراد، رعایت عدالت، رعایت انصاف، حق محوری، احترام گذاشتن، رعایت قوانین و اجرای قوانین بر می‌شمارد.

پیشنهادها

با توجه به یافته‌ها و نتایجی که پژوهش حاضر به دست آورده است، موارد زیر به عنوان توصیه‌های پژوهشی به پژوهشگران علاقه‌مند به حوزه‌ی پژوهشی مربوط ارائه می‌گردد:

- تدوین سیاست‌هایی که در آن به توزیع عادلانه منابع سرمایه اجتماعی توجه شود. در این زمینه ضروری است راهبردی تدوین شود تا پایه‌های مناسبات اجتماعی

مبنتی بر حمایت اجتماعی از گروه‌ها و اقشار مختلف را پی ریزد که به ویژه از نبرابری در دستیابی به منابع ارزشمند سرمایه اجتماعی در فشار هستند.

- کاهش اعتماد اجتماعی در میان اقشار مختلف، به منزله هشدار برای سلامت حیات اجتماعی بوده و سیاست‌ها و برنامه‌های جلب مشارکت شهروندان، باید به گونه‌ای تدوین شوند که در آن‌ها به ساز و کارهای مولد کنش جمعی و افزایش انسجام اجتماعی توجه ویژه شود. در این زمینه ایجاد روحیه قوی جمعی مشترک و ارتقاء نظم اجتماعی برای جامعه پذیرکردن و نهادینه نمودن رفتارهای پایدار سلامتی در شهروندان، گسترش و استمرار کنش‌های سلامت بخش برای یک زندگی سالم، افزایش مهارت‌های مدارا و تاب‌آوری در مواجهه با مشکلات و اجرای مناسب نقش‌های مولد اجتماعی مهم است.

- در زمینه اقدامات سازمانی می‌توان به ارتقاء سرمایه اجتماعی از طریق نهادها و سازمان‌های مختلف ذی ربط، افزایش سطح کارآمدی دستگاه‌ها و نهادهای مختلف اجتماعی در ارتقاء وجدان کار و ایجاد روحیه تعاون و همکاری، همیاری، مشارکت و نوع دوستی و گسترش نهادهای مدنی ذی ربط، تقویت هنجارهای سلامت بخش از جمله ارتقاء اعتماد اجتماعی به همراه تقویت همکاری‌های بین‌سازمانی با مدیران سلامت در نهادهای مختلف، همچنین تأمین شبکه‌های حمایت اجتماعی برای در اختیار قراردادن کمک‌های مختلف مادی، احساسی و مشورتی، به ویژه در سازمان‌های مختلف برای کاهش اضطراب و افسردگی اشاره کرد.

منابع

- الوانی، سید مهدی؛ دانایی فرد، حسن (۱۳۸۶). مدیریت دولتی و اعتماد عمومی. دانش مدیریت، شماره ۵۵
- بوردیو، پیر (۱۳۸۴). شکل‌های سرمایه در سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه. گردآوری کیان تاج بخش، ترجمه افشین پاکباز و حسین پویان، تهران: نشر شیرازه.
- بیات، بهرام (۱۳۸۸). بررسی عوامل مؤثر بر احساس امنیت شهروندان تهرانی (با تأکید بر رسانه‌های جمعی، عملکرد پلیس و بروز جرایم). فصلنامه انتظام اجتماعی، سال اول، شماره اول.
- پاتنام، رابرت (۱۳۸۰). دموکراسی و سنت‌های مدنی. ترجمه محمد تقی دلفروز، دفتر تحقیقات و مطالعات سیاسی وزارت کشور، تهران.
- پیربوردیو (۲۰۰۶). ابزار سرمایه اجتماعی. ترجمه محمد آقایی، تهران: انتشارات اندیشه.
- پیر بوردیو (۲۰۰۷). بنیان‌های سرمایه اجتماعی. ترجمه محسن اسدپور، تهران: انتشارات اندیشه.
- جعفری، محمد (۱۳۹۱). طراحی الگوی تعالی سازمانی با رویکرد سرمایه اجتماعی در سازمان پلیس.
- حسینی، حسین (۱۳۸۶). احساس امنیت: تأملی نظری بر پایه‌ی یافته‌های پژوهشی. فصلنامه امنیت، سال پنجم، شماره ۴.
- روشنفکر، پیام (۱۳۸۵). جوانان سرمایه اجتماعی و رفتارهای داوطلبانه. فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۳.
- سلیمی، محمد حسین (۱۳۸۰). مشارکت و مدیریت مشارکتی در آموزش و پرورش. مدیریت در آموزش و پرورش، شماره ۲۸.
- سید نقوی، میر علی (۱۳۸۴). آسیب شناسی سرمایه اجتماعی در سازمان آموزش و فرهنگ ایران و ارائه الگوی بهینه. رساله دکتری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبایی.
- شرافتی پور، جعفر (۱۳۸۶). عوامل مؤثر بر افزایش مشارکت مردم در حوزه امنیت عمومی با تکیه بر نقش پلیس. فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، سال سوم، شماره ۱۲-۱۱.
- عطایی، حمید (۱۳۹۰). عوامل مؤثر بر امنیت عمومی در سال ۱۳۸۹.
- عبداللهی، محمد (۱۳۸۷). طرح مسائل اجتماعی در ایران: اهداف و ضرورت‌ها. مجموعه مقالات مسایل اجتماعی ایران چاپ دوم. تهران: انتشارات آگه و انجمن جامعه شناسی ایران.
- غفاری، غلامرضا (۱۳۹۰). سرمایه اجتماعی و امنیت انتظامی. چاپ اول، تهران: انتشارات جامعه شناسان.

- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۸۵). پایان نظم سرمایه اجتماعی و حفظ آن. ترجمه غلام عباس توسلی، تهران: حکایت قلم نوین.
- کلمن، جیمز (۱۳۸۴). نقش سرمایه اجتماعی در ایجاد سرمایه انسانی. گردآوری کیان تاج بخش، ترجمه افشین پاکباز و حسن پویان، تهران: شیرازه.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۵). تجدد و تشخیص، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.
- مجردی، سعید (۱۳۹۱). اینترنت و امنیت اجتماعی. تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مصباح، محمدتقی (۱۳۷۵). حکومت اسلامی و ولایت فقیه. جلد چهارم، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- موسوی، میر طاهر (۱۳۸۵). مشارکت اجتماعی یکی از مؤلفه های سرمایه اجتماعی. فصلنامه رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۳، صص ۶۷-۹۲.
- مک کین، لای، آر، لیتل، (۱۳۸۰) فرهنگ امنیت جهانی. ترجمه اصغر افتخاری، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- مصطفوی، علی (۱۳۸۷). بررسی و نقد نظریه امنیتی ساختن. فصلنامه مطالعات راهبردی، سال نهم، شماره سوم.
- Mueller , C. and , Herstatt , C. (2002) , " Inter firm cooperation: a brief overview of current theoretical Findings and issues for future research. Int.J.Human Resource Development and management.
- Ireland , R. D ,Hitt , M. A , (2002) , Alliance , Management as source Of competitive Advantage. Journal Of manage ment.
- Beugelsdijk, Sjoerd., & Schaik, Ton van. 2005. "Social capital and growth in European regions: an empirical test", European Journal of Political Economy Vol. 21, P. 301-324.
- Coleman, J.S. (1988). "Social Capital in the Creation of Human Capital". American Journal of Sociology, 94: 95- 120.
- Jacobs, James. (1961). The death and life of great American Cities.
- Jones, Richard W. (1999). Security, Strategy, and Critical Theory. London.
- Lindstrom M, Merlo J, & Ostergren P. O. (2003). "Social capital and sense of insecurity in the neighbourhood: a population-based multilevel analysis in Lynne Rienner Publications. Malmo, Sweden", Social Science & Medicine, 56 (5): 1111-1120